

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد  
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

روانشاد عبداللطیف صدیقی للندری

## یادداشت پورتال AA-AA :

شاعر دلسوخته، شادروان خواجه عبداللطیف صدیقی للندری متأسفانه دیگر در میانه ما نیست، تا شعر بگوید و دل شعر دوستان را شاد گرداند. ما اما اشعار نغزش را وقتاً فوقتاً در موارد خاص از آرشیف بیرون آورده، مجدداً از نظر خوانندگان ارجمند پورتال میگذرانیم. ترانه مطنن "جشن استقلال" را که سال گذشته نیز مکرراً نشر کرده بودیم، اینک به تقریب سالگرد نود و دوم استرداد استقلال وطن، تقدیم مینمائیم.

روان آن شاعر آزاده و همکار گرامی پورتال شاد باد!

## جشن استقلال

درود به روان پاک غازیان، شهداء و جان نثاران نبرد استقلال افغانستان و در رأس همه، اعلیحضرت غازی امیر امان الله خان!  
ترانه ای را که سال گذشته به تقریب سالروز فرخنده استرداد استقلال افغانستان سروده بودم، یک بار دیگر و این بار به افتخار نود و یکمین سالگرد استقلال وطن عزیز پیشکش مینمائیم:

جشن آزادی ما مژده آبادی ماست  
نوجوانان وطن عز و سرافرازی ماست  
اجنبی در وطنم، فتنه و بریادی ماست  
بی گنه خفته به خون مایه بیدادی ماست

فـر آزادگی از غیرت افغان باشد  
جان سپردن به وطن رسم نیاکان باشد

در ره حفظ وطن همت پایا داریم  
دید روشن ز مفاهیم و قضایا داریم  
شوق پیروزی و بهروزی زایا داریم  
شهرت جوهر شمشیر به دنیا داریم

بنده غیر شدن خصلت افغانی نیست  
تابعیت ز جفا روح مسلمانی نیست

شور آزادگیت مردم افغان چه شده      هویت و غیرت تو از دم ایمان چه شده  
خنجر و تیر و کمان تو ز انبان چه شده      دم عیسائی و آن جوشش دوران چه شده

**شیر مردان وطن، ملت افغان بر خیز  
ای فرو رفته به گردابه طوفان بر خیز**

فتنه غیر کجا سائر پنهان گشته      این نه شهیدیت که با زهر نمایان گشته  
دشمنان وطن شاطر شیطان گشته      جمله گرگند، که در جامه چوپان گشته

**راهستان پر خطر و بار گران می باشد  
همت پیری و شمشیر جوان می باشد**

ای وطندار خدا پشت و پناهت باشد      غیرت و صولت تو مشعل راهت باشد  
روشنی بخش دلم برق نگاهت باشد      دشمنان غرقه بخون و عذرخواهت باشد

**رنگ این بیرق بالنده به دوران بادا  
سبزی و سرخ و سیاه تو نمایان بادا**

وای از آن قوم که او فاقد آزادی بود      حيله و چال و فریبش همه بربادی بود  
شاهد عهد و وفایش همه منقادی بود      مرکب شهرت او توسن شیبادی بود

**بنده غیر شدن خاصه افغان نبود  
سرخمی پیش عدو خصلت مردان نبود**

یاد مردان وطن دائم و پایا بادا      پایه و مایه پیروزی فردا بادا  
روضه باغ وطن پرگل و بویا بادا      ذکر نام خوش او گوهر گویا بادا

**زینت دفتر ما صیت "امانی" باشد  
این نه نامیست که او زاهق و فانی باشد**

صیت = به کسر اول و سکون دوم یعنی "شهرت و آوازه"  
امانی = منسوب به "علیحضرت غازی امان الله خان محصل استقلال افغانستان"  
زاهق = از بین رونده، نابود شونده، مقابل "باقی"